

# پایه شمعدان دارالشفاء امام رضا علیه السلام در دوره صفوی

حشمت کفیلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۷/۲۹

## چکیده

بسیاری از اشیای تاریخی موجود در موزه آستان قدس رضوی به گونه‌ای در روشن شدن زوایای تاریخ آستان قدس تأثیر دارند. یکی از این مجموعه‌ها شمعدان‌های دوره صفوی هستند که با روشنایی حرم مطهر و اماکن وابسته به آن مربوط می‌باشند و ویژگی‌های خاصی از نظر فرم، کتیبه‌ها و نقش‌های تزئینی دارند.

در این مقاله که براساس مطالعات میدانی و کتابخانه‌ای تدوین شده، یک پایه شمعدان دوره صفوی به تاریخ ۹۴۶ق از نظر فرم و نقش و کتیبه آن بررسی گردیده و با توجه به کتیبه‌های قلم‌زنی شده بر بدنه آن، اثر و محل استفاده از آن معرفی شده است.

**کلید واژه‌ها:** شمعدان، دوره صفوی، روشنایی، آستان قدس، کتیبه‌نگاری، دارالشفاء.

## آثار دوره صفوی در موزه آستان قدس

پذیرش تشیع به عنوان مذهب رسمی در دوره صفوی و ترویج آن، نقش مهمی در گسترش هنر شیعی در این دوره داشت. حرم ائمه اطهار علیهم السلام در شهرهای نجف، کربلا و مشهد و دیگر مقابر بزرگان مذهبی مورد توجه خاص قرار گرفته، و آثار فراوانی به منظور استفاده در این اماکن ساخته و توسط صاحب‌منصبان وقت وقف یا نذر شده که ویژگی‌های خاصی چون نام سازنده، بانی، تاریخ ساخت و وقف دارند؛

۱. کارشناس موزه آستان قدس رضوی. Kafili.h1963@gmail.com

هرچند عواملی چون توجه خاص برخی از پادشاهان این دوره، مانند شاه طهماسب، به هنر و ثبات سیاسی و اقتصادی حکومت مرکزی، نقش مهمی در حمایت از هنر و هنرمندان و خلق آثار ارزشمند هنری داشته است.

برخی از آثار این دوره که در موزه آستان قدس موجود هستند عبارت‌اند از: در چوبی منبت و گره‌بندی شده با تاریخ ۹۵۲ و ۹۵۵ق، اسطرلاب‌های برنجی با نام سازندگان و تاریخ ساخت، کتیبه‌های مشبک طلا با تاریخ‌های ۹۴۹ و ۹۵۷ق، ضریح‌پوش زربفت با تاریخ ۹۵۲ق و کتیبه‌های طلا به تاریخ ۱۰۱۱ و ۱۰۱۲ به خط خوشنویس بزرگ دوره صفوی علیرضا عباسی و ابریق‌های فولادی و ترنج‌های کتیبه‌دار درکوب با تاریخ ۱۱۱۸ تا ۱۱۲۰ق با نام سازنده و واقف.

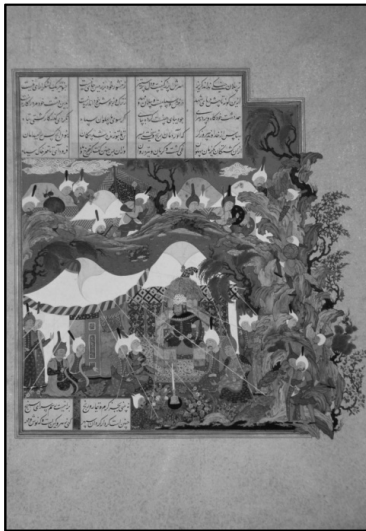
بررسی کتیبه‌های آثار و اشیای تاریخی نشان می‌دهد، آنها به منزله برگ‌هایی از کتاب تاریخ هنر و صنایع هستند که می‌توان براساس آنها در مورد زوایای پنهان یک دوره خاص، یا مکانی ویژه، کاربرد اثر و بسیاری موارد دیگر سخن گفت. مطالعه کتیبه‌ها به کارشناسان کمک می‌کند تا اطلاعاتی ارزشمند در مورد کاربرد آن، نام هنرمندان، محل ساخت، واقف، ساعی و جز آن به دست آورند. نام ساعی آثار ما را با افراد مقتدر مذهبی و سیاسی آشنا می‌کند که نقش مهمی در احیای مکانی خاص یا خلق اثری داشته‌اند؛ برای نمونه سنگاب بزرگ موزه آستان قدس را اثری با نام سلطان محمد خوارزمشاه از دوره خوارزمشاهی می‌دانند. اما نام ساعی آن محمد بن حیدر موسوی، نشان‌دهنده اهمیت حضور و نقش فردی از سادات موسوی در این دوره می‌باشد که برای این گونه اقدامات خیر بانی بوده است، و هنرمندان سنگ‌تراش «محمد و احمد و محمد بن احمد» و «مسعود نقاش حضرتی» با خلق این اثر، سندی بر تاریخ هنر این دوره افزوده‌اند؛ چراکه آثار هنری این دوره به علت کوتاهی آن و تنش‌های سیاسی بسیار کم به جا مانده‌اند. از این رو می‌توان این اسناد منحصر به فرد را معیاری برای تطبیق نقوش و شیوه‌های کتیبه‌نگاری در بررسی آثار هم‌زمان قرار داد.

از دوره صفوی تعداد نه عدد پایه شمعدان برنجی با فرم ستون مانند تا کنون شناسایی شده که در موزه و خزانه آستان قدس موجود است که هفت عدد از این مجموعه<sup>۱</sup> با نقوش تزیینی گیاهی، هندسی و کتیبه‌هایی با مضمون اشعاری در وصف شمع و پروانه و تشبیه آنها به عاشق و معشوق<sup>۲</sup>، نام سازنده، صاحب اثر، محل ساخت و کتیبه وقف آراسته شده‌اند و ارتفاع آنها بین ۲۱ تا ۹۲ سانتیمتر متغیر می‌باشد. از میان نمونه‌های موجود، یک شمعدان با تکنیک مشبک‌کاری و بقیه با تکنیک قلم‌زنی تزیین شده‌اند و بدنه آنها در اشکال چند وجهی و برخی نیز استوانه‌ای با پایه‌ای پهن می‌باشد.

### فرم و نقش شمعدان‌های دوره صفوی

خلق آثار هنری جدای از اثرپذیری از اندیشه و فرهنگ غالب در هر دوره، از آثار

هنری خلق شده در دوره‌های گذشته نیز الهام می‌گرفته است.



تصویر شماره یک  
حسینی راد، ص ۲۸۵

۱. جلالی، میثم، «پایه شمعدان‌های صفوی در موزه آستان قدس»، مشکوة، ش ۹۹، سال ۱۳۸۷، ص ۱۱۵.
۲. «شبی یاد دارم که چشمم نخفت / شنیدم که پروانه با شمع گفت / چراغ اهل دل را روشن از روی تو می‌بینم / همه صاحب‌دلان را روی دل سوی تو می‌بینم / تویی مقصود عالم کم مبادا از سرت مویی / که عالم را طفیل یک سر موی تو می‌بینم» (اشعار قلم‌زنی شده بر روی شمعدان شماره اموالی ۵۲ از اهلی خراسانی).

بررسی شمعدان‌های دوره صفوی نیز نشان‌دهنده تأثیر عوامل متعددی در فرم و نقش آنها می‌باشد. این شمعدان‌ها دارای فرم ستون مانند و استوانه‌ای هستند که بیشتر با نقوش اسلیمی و ختایی قلم‌زنی شده‌اند.

شیلا کنبی محقق هنر دوره صفویه این نوع شمعدان را مشعل می‌نامد و با استناد به تصاویر نسخ خطی چون شاهنامه شاه طهماسبی و خمسه نظامی، شمعدان‌های اوایل دوره صفوی را ادامه طرح دوره‌های قبل در قرون هشتم و نهم هجری می‌داند و ظهور این سبک را با اوّلین نمونه تاریخ‌دار در اواسط قرن دهم بیان می‌کند که در هند ساخته شده است.<sup>۱</sup>

دیماند شمعدان‌های برنجی دوره صفوی را ستون مانند با تزیینات برجسته یا حکاکی شده از طرح‌های نباتی و طوماری وصف می‌کند، که معمولاً دارای کتیبه‌های شعر فارسی درباره شمع و پروانه هستند و یک نمونه تاریخ‌دار آن در موزه متروپولیتن با تاریخ ۹۸۶ق موجود است.<sup>۲</sup> هیلن برنر این نوع شمعدان را جزء نوآوری‌های دوره صفوی می‌داند.<sup>۳</sup>

در فلزکاری عصر صفوی که بر پایه سنت‌های قدیم و مهارت فلزکاران این دوره استقرار یافته، چیره‌دستی و نبوغ هنرمندان این عصر به چشم می‌خورد. طراحان و نقاشان این زمان با ابداع شیوه‌های جدید موازین تازه‌ای را در سبک‌های خود ایجاد کردند و در موارد بسیاری شکل و ترکیب اشیای قدیم را، که ظاهری زمخت و خشن و بزرگ داشت، به کنار نهادند. در این زمان زیبایی و ظرافت جایگزین شدت و خشونت قدیم شد.<sup>۴</sup> بررسی آثار فلزی دوره صفوی نشان‌دهنده دو رویداد مهم در تزیینات آثار این دوره است؛ یکی کاربرد کتیبه‌های

۱. کنبی، شیلا، *عصر طلایی هنر ایران*، ترجمه حسن افشار، ۵۴.

۲. دیماند، موریس اسون، *راهنمای صنایع اسلامی*، ترجمه عبدالله فریار، ص ۱۵۳.

۳. هیلن برنر، رابرت، *هنر و معماری اسلامی*، ترجمه اردشیر اشراقی، ص ۲۴۹.

۴. احسانی، محمدتقی، *هفت هزار سال هنر فلزکاری*، ص ۲۱۴.

شعر فارسی که بیشتر به خط نسخ هستند و دیگری غلبه نقوش تزیینی اسلیمی و ختایی بر تزیینات هندسی. دکتر زکی محمدحسن نقوش تزیینی گیاهی و حیوانی به کار رفته در اشیای فلزی این دوره را نماینده روح ایرانی و یادآور نقوش به کار رفته در نسخ خطی و دست‌بافته‌ها می‌داند.<sup>۱</sup>

پوپ استفاده هنرمند ایرانی از نقوش تزیینی طوماری و پیچک‌های اسلیمی را گسترش مضامین تا حد بی‌سابقه‌ای نسبت به گذشته دانسته و آن را به موسیقی تصویری تشبیه کرده، که در آن صدا و هماهنگی تصاویر جای خود را به بازی خطوط داده است.<sup>۲</sup>

بررسی فرم کلی این شمعدان‌ها نشان می‌دهد که هنرمند این دوره در خلق فرم جدید، کاربرد اثر را مورد نظر داشته است. با تطبیق فرم این نوع شمعدان با مناره‌ها<sup>۳</sup> که در ابتدا به عنوان نشانه‌های راه برای راهنمایی کاروانیان بوده‌اند و از نظر کاربرد آن محل نور و روشنی بوده، این اندیشه تقویت می‌شود که هنرمند این دوره از این عنصر در معماری الهام گرفته است. مناره‌ها در بناهای دوره سلجوقی تا عصر حاضر در ایران و دیگر ممالک اسلامی، دارای یک الگوی کلی ستونی شکل با تزیینات متنوع در هر دوره هستند. این بناها به شکل استوانه‌ای ساده، مخروطی ناقص یا در برخی بناها در چند طبقه، با تزیینات آجرکاری، یا کاشی کاری ساخته شده‌اند.

---

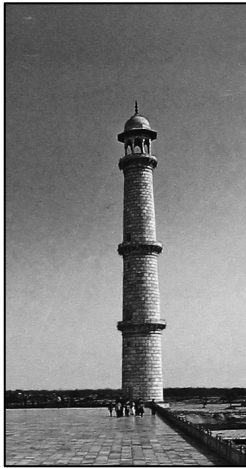
۱. محمد حسن، زکی، *تاریخ صنایع ایران*، ص ۲۶۶.

۲. پوپ، آرتور آپم، *سیری در هنر ایران...*، ج ۶، ص ۲۸۷۵.

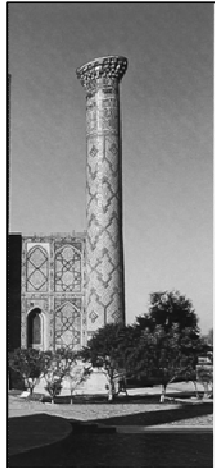
۳. منار: روشنی جای. (*منتهی الارب*) (*ناظم الاطباء*). موضع نور. (*اقرّب الموارد*). چراغدان و جای بلند که بر آن چراغ افروزند چراکه این صیغه اسم ظرف است به معنای جای نور. (*غیاث*) مأخوذ از تازی، جای بلندی که بر آن چراغ افروزند. (*ناظم الاطباء*). بنگرید به: دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه*، ج ۱۳، ص ۱۹۰۳۷.

مناره: بنایی بلند و استوانه‌ای به عنوان بخشی از مسجد یا مکان متبرک که بر بالای آن اذان می‌گویند. برجی که برای دیده‌بانی یا رساندن اخبار می‌ساختند و اغلب در آن با روشن کردن آتش اعلام خبر می‌کردند. بنگرید به: بهشتی، محمد و مهرداد قیومی بید هندی، *فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی*، ص ۲۴۵.

تصاویر شماره ۲ تا ۵ تطبیق فرم این شمعدان با مناره‌های قرن ۹ و ۱۱ هجری  
قمری در هند و سمرقند را نشان می‌دهد.



تصویر شماره چهار (تاج  
محل ۱۶۴۶-۱۶۵۳ م.)  
Stierlin. P 178



تصویر شماره سه،  
مناره مدرسه الغیبیگ  
در سمرقند ۱۴۱۷ م.  
Stierlin. P 74



تصویر شماره دو پایه شمعدان  
ش. ۱۶۹، موزه آستان قدس



تصویر شماره پنج  
Melikian chirvani.  
370P

### کهن‌ترین شمعدان برنجی قلم‌زنی و کتیبه‌دار دوره صفوی در موزه آستان رضوی

نور و روشنایی در زندگی انسان، افزون بر کاربرد آن در  
زندگی روزمره آن چنان اهمیت داشته که در اعتقادات  
مذهبی نمودی ویژه یافته و به اعتبار آیه مبارکه ﴿اللَّهُ نُورُ  
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (نور/۳۵) به نماد عینی خداوند تعبیر  
شده است.

در معماری دوره اسلامی شمسه بر فراز سقف‌ها، نماد خورشید بوده و قندیل به عنوان یک ابزار روشنایی و نماد نور و روشنی، نه تنها در مساجد افروخته می‌شده، بلکه در محراب‌ها نقش‌آفرینی می‌کرده است.

در آیه مزبور در قرآن کریم، خداوند نور آسمان‌ها و زمین بیان شده و به مشکاتی که چراغی در آن روشن است و آن چراغ در میان شیشه‌ای به سان ستاره‌ای پرنور می‌درخشد تشبیه شده و هنرمندان مسلمان در خلق ابزار روشنایی که آنها را با انواع هنرهای تزیینی و کتیبه‌نگاری آراسته‌اند، از این آیه استفاده کرده‌اند.

بررسی اشیای مختلف در موزه و خزانه آستان قدس که بخش مهمی از آنها ابزار روشنایی مورد استفاده در حرم مطهر بوده است نشان‌دهنده اهمیت آنها می‌باشد. هرچند که قدیم‌ترین سند کاغذی مربوط به روشنایی حرم مطهر مربوط به ۱۰۱۰ق است<sup>۱</sup>، اما وجود پایه شمعدانی بزرگ با تاریخ ۸۶۳ق و قندیل سیمکوب و زراندود دوره تیموری در میان اشیای موزه را می‌توان به عنوان اسناد غیر کاغذی مورد توجه قرار داد.<sup>۲</sup>

در میان شمعدان‌های موجود در موزه و خزانه آستان قدس کهن‌ترین و بزرگ‌ترین آنها با تاریخ ۹۴۶ق، به شماره اموالی ۱۶۹ ثبت شده است. ارتفاع این شمعدان ۹۲ س.م. و دارای بدنه‌ای استوانه‌ای با قطر دهانه فوقانی ۱۹ س.م. و قطر

---

۱. سند شماره ۵۳۷۰۰، مدیریت اسناد و مطبوعات سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس.

۲. وجود دستگاه اداری منظم و مستقلی که در دوره صفویه برای روشنایی حرم مطهر انجام وظیفه می‌کرده‌اند نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت روشنایی در حرم مطهر و اماکن مرتبط بوده است که بدون شک عقبه‌ای داشته و می‌تواند ادامه فعالیت‌های گذشتگان باشد. در این دوره به جز تشکیلات اداری منظم، اهمیت روشنایی را در اجرای مراسم خاص مانند: شمع‌گردانی در شب‌های بیست و یکم رمضان و بیست و نه صفر مصادف با شهادت امام رضا (علیه السلام) و شب عاشورا و مراسم گل‌گرفتن از شمع‌ها توسط خدام و... را می‌توان بررسی کرد.



پایین ۲۳.۵ س.م. است. کف آن بر  
ظرفی سینی مانند با لبه‌های برگشته  
به طرف بالا قرار گرفته که قطر آن  
۳۶.۵ س.م. است. (این ظرف به  
مرور زمان آسیب دیده است) سطح  
بیرونی آن با استفاده از دو نوار  
برجسته به سه بخش تقسیم شده  
است. در بخش بالایی شمعدان در  
میان قاب‌های قلمدانی شکل که با  
نقوش و پیچک‌های گیاهی در  
برگرفته شده، کتیبه‌هایی به این شرح  
قلم زده شده است:

تصویر شماره شش، پایه شمعدان ش. ۱۶۹  
آرشیو عکس موزه آستان قدس

«شاهی که کُخَلِ هر بَصَرِ از خاک پای اوست»

«دائم شفای خلق ز دارالشفای اوست»

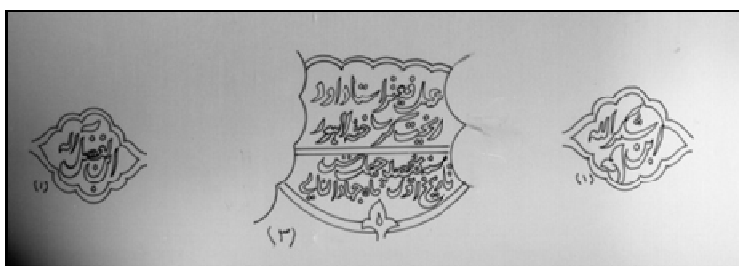
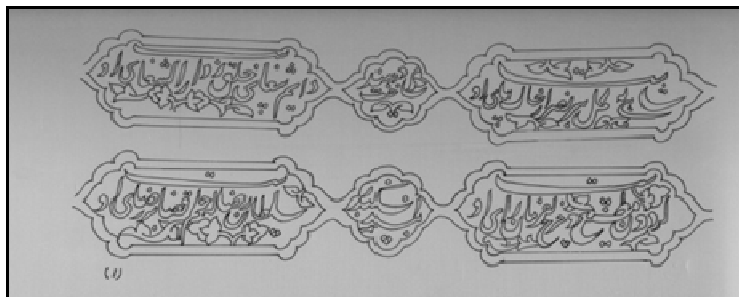
«گردون مطیع و چرخ به فرمان رای اوست»

«سلطان رضا که حکم قضا بر رضای اوست»

در میان این کتیبه‌ها در چهار ترنج کوچک نام هنرمند سازنده و محل ساخت  
«بنده اسکندر/ ابن شکر الله / در هند ساخت/ این بفضل اله» آمده است.  
همچنین نام استاد صنعتگر، محل و تاریخ ساخت در کتیبه‌ای دیگر بین



نقوش به این شرح قلم‌زده شده است: «عمل فقیر استاد داود ریخته‌گر ساخته لاهور/ تاریخ اول ماه جمادی الثانی سنه نهصد و چهل و شش».



کتیبه‌های نام سازنده و محل ساخت و بانی شمعدان ساخت لاهور (هند)

در قسمت میانی سه نوار افقی از نقوش تزئینی طوماری و گل‌های ختایی با ظرافت قلم‌زنی شده و در فضای خالی ایجاد شده از نقش ترنج و نیم ترنج‌هایی با گل‌های ختایی برای تزئین استفاده شده است. با این شیوه تزئین هنرمند زمختی سطوح فلزی را برای بیننده و استفاده‌کننده به سطحی زیبا و دلپذیر تبدیل کرده است.

با استناد به کتیبه نام سازندگان به زبان فارسی، جدای از محل ساخت اثر که هند و لاهور می‌باشد، می‌توان براساس اشعار فارسی نقرشده بر آن، نقش و تأثیر متقابل هنرمندان مهاجر ایرانی را در سرزمین هند مشاهده کرد. باتوجه به اینکه کنبی (Canby) این شمعدان را اولین نمونه و الگویی برای دیگر شمعدان‌هایی از

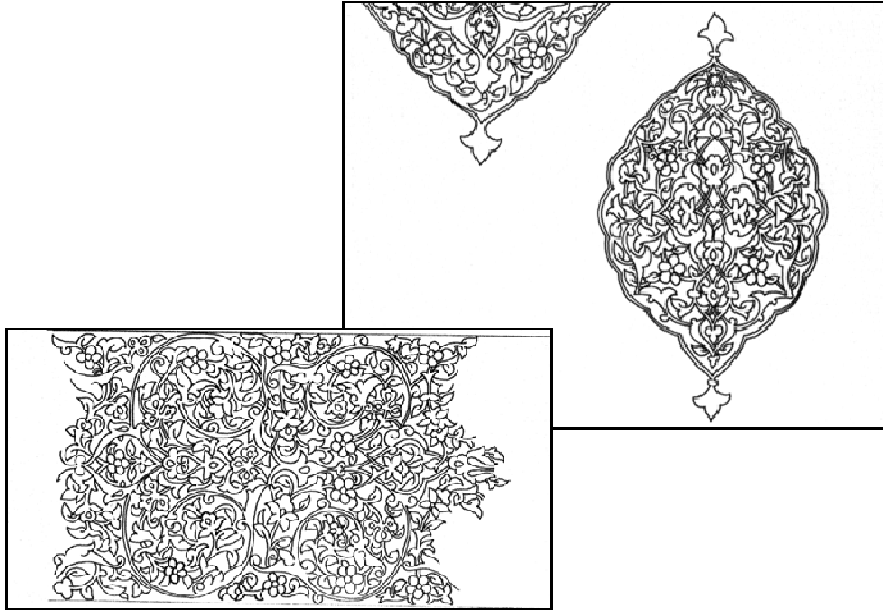
این نوع که پس از آن معمول می‌شود بیان می‌کند، با مقایسه نقوش آن با دیگر شمعدان‌های این دوره می‌توان گفت که هنرمندان سازنده آنها از توانایی هنری خویش در خلق آثار جدید استفاده کرده‌اند و در حقیقت تنها محل خلق اثر تغییر کرده، اما شیوه تزئینی آثار چندان تغییری نداشته و همان مکتب هنری تداوم و تکامل یافته است. (در این مقاله نقوش پایه شمعدان ش ۱۶۹ فقط با ش ۵۹ مقایسه شده است.)

در طرح‌های<sup>۱</sup> ذیل با مقایسه نقوش شمعدان ساخت لاهور با دیگر شمعدان‌های برنجی ساخت ایران می‌توان مشاهده کرد که هنرمند در به کار بردن نقوش طوماری و گل‌های ختایی و طرح‌های ترنجی و نواری بسیار تحت تأثیر آثار متقدم قرار داشته و تنها در جزئیات بسیار ظریف تفاوتی اندک دیده می‌شود.



شمعدان ۵۹ - ساخت ایران

۱. طرح‌های فنی و برداشت نقوش تزئینی را خانم آمنه رحیمی انجام داده است. (آرشیو اسناد اداره پژوهش و معرفی آثار).



شمعدان ۱۶۹ - ساخت هند

با تعمق در متن کتیبه شعری:

«شاهی که کُحَلِ هر بَصَرِ از خاک پای اوست

دائم شفای خلق ز دارالشفای اوست» ...

می‌توان دریافت که در این کتیبه جز آنکه به حکمت حضور حضرت رضاعلی<sup>علیه السلام</sup> و تأثیر معنوی آن بزرگوار در شفای بیماران اشاره دارد، از دارالشفای حضرت نام می‌برد و در اهمیت آن شفای خلق را از دارالشفاء بیان می‌کند؛ از این رو به احتمال قریب به یقین این پایه شمعدان عظیم و با ارزش تاریخی یکی از اشیای مهم برای روشنایی دارالشفای حضرت رضاعلی<sup>علیه السلام</sup> بوده که بر آن وقف شده و مورد استفاده قرار گرفته است.

کهن‌ترین منبعی که از دارالشفاء در دوره صفوی نام می‌برد، وقف‌نامه عتیق

علی منشی است که وی در سال ۹۳۱ق بخشی از درآمد و موقوفاتش را برای تأمین هزینه‌های دارالشفاء وقف می‌نماید.<sup>۱</sup> این دارالشفاء<sup>۲</sup> در دیگر دوره‌های تاریخی نیز تا عصر حاضر فعالیت می‌کرده و به سبب عام‌المنفعه بودن آن بسیار مورد توجه قرار گرفته و موقوفات بسیاری داشته است. بررسی اسناد موجود در مدیریت اسناد آستان قدس رضوی نشان‌دهنده اهمیت این مرکز و تشکیلات اداری آن و چگونگی تأمین مخارج و هزینه‌های کارکنان و بیماران از ۱۰۱۱ق به بعد می‌باشد.<sup>۳</sup>

### نتیجه‌گیری

مطالعه آثار تاریخی به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که از زوایای مختلف آن را بررسی نمایند.

۱. انزابی‌نژاد، رضا و همکاران، *بیست وقف‌نامه از خراسان*، ص ۴۴ و ۴۵.
۲. بنابر اطلاع منابع در دوره صفوی مانند دوره‌های قبل، پزشکان از جایگاه و اعتباری ویژه برخوردار بودند و سرپزشک خاندان سلطنتی به نام حکیم‌باشی خوانده می‌شد که از مراحم و الطاف مخصوص برخوردار بود و مسئول استخدام پزشکان در سراسر کشور و رسیدگی به حقوق آنان بود. همچنین اکثر شهرهای ایران محلی برای مداوای بیماران داشته که دارالشفاء نامیده می‌شده است. در زمان شاه طهماسب نیز یک داروخانه خیریه راه افتاده بود. اسکندر منشی از طبیبان دربار نام می‌برد و حکیم عمادالدین محمود را طبیبی حاذق گفته که شاه طهماسب به علت توجه خاصی که به خدمت سرکار فیض آثار داشته وی را برای طبابت در دارالشفاء مشهد مقدس انتخاب می‌کند. مؤلف *تاریخ بیمارستان‌های ایران* می‌نویسد: در جوار حرم دارالشفایی نیز وجود داشته که تاریخ دقیق بنای آن معلوم نیست، محل این دارالشفاء در جوار مسجد جامع بوده است. وی بیان می‌کند که در دوران شاه طهماسب اول به این بیمارستان توجه خاصی می‌شد و بسیاری از بزرگان به خدمت آن آستان و این بیمارستان افتخار می‌کردند. (بنگرید به: الگود، سیریل، *تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی*، ص ۵۰۲؛ کمبریج، *تاریخ ایران دوره صفویان*، ج ۴، ص ۳۰۴؛ ترکمان، اسکندر بیگ، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، ص ۱۶۸؛ تاجبخش، حسن، *تاریخ بیمارستان‌های ایران*، ص ۱۸۴ و ۱۸۵).
۳. کریمیان، علی، «دارالشفای آستان قدس به روایت اسناد»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، ش ۱۲۵، سال ۱۳۸۷، ص ۸۶-۹۹.

پایه شمعدان‌های دوره صفوی از جمله اشیای ارزشمند این دوره است که می‌توانند از نظر فرم، تکنیک تزیینات و نقوش تزیینی و کتیبه‌های آن با آثار همزمان و در مقایسه با دوره‌های قبل و بعد از خود، مورد بررسی قرار گیرند. در این نوشتار به اختصار به بررسی فرم و نقش‌های تزیینی پایه شمعدان شماره ۱۶۹ پرداخته شده و با تکیه بر کتیبه تاریخی آن در مورد محل وقف و استفاده از آن ارائه نظر شده است.

در دوره صفوی وقف شمعدانی بزرگ برای استفاده در دارالشفاء آستان قدس امری مهم و در جهت فراهم‌آوری امکانات ضروری و مورد نیاز آن بوده است.

وجود این شمعدان با تاریخ ساخت ۹۴۶ق (ش. ۱۶۹) به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا براساس این نمونه، درباره سبک هنری و فن ساخت بسیاری شمعدان‌های برنجی مشابه که در موزه‌های خارج از ایران و موزه‌های مشهد، اصفهان و تهران و... وجود دارند، مطالعه و در مورد نحوه ساخت آن اظهار نظر کنند.

این شمعدان بعدها مانند بسیاری از آثار دیگر که برای استفاده در حرم مطهر ساخته شده و پس از مدتی تناسب خود را با زمان از دست داده و گردآوری شده‌اند، جای خود را به وسایل روشنایی جدید داده و به خزانه انتقال یافته است، تا اینکه با افتتاح اولین موزه آستان قدس رضوی در سال ۱۳۲۴ ش، به عنوان یک شیء موزه‌ای به نمایش گذاشته شد.

در حال حاضر این شمعدان یکی از قدیم‌ترین اشیای تاریخ‌دار دوره صفوی است که دیدگاه حاکمان آن دوران را نسبت به ابزار روشنایی همراه با فلسفه اعتقادی و احتمالاً تأثیر آن بر درمان بیماران دارالشفاء حرم مطهر نشان می‌دهد.

۱. احسانی، محمدتقی، هفت هزار سال هنر فلزکاری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.
۲. اعتماد السلطنه، محمدحسن، مطلع الشمس، تهران، فرهنگسرا، ۱۳۶۲ ش.
۳. الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه دکتر باهر فرقانی، تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۶ خ.
۴. انزابی‌نژاد، رضا و همکاران، بیست وقف‌نامه از خراسان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۵. بهشتی، محمد - قیومی بید هندی، مهرداد، فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی، تهران، دانشنامه تاریخ معماری، ۱۳۸۸ ش.
۶. پوپ، آرتور آپم، سیری در هنر ایران، از دوران پیش از تاریخ تا امروز، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷ ش.
۷. تاجبخش، حسن، تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
۸. ترکمان، اسکندر بیگ، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲ ش.
۹. جلالی، میثم، «پایه شمعدان‌های صفوی در موزه آستان قدس»، مشکوة، ش ۹۹، سال ۱۳۸۷.
۱۰. حسینی راد، عبدالمجید، شاهکارهای نگارگری ایران، تهران، موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴ ش.
۱۱. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ش.
۱۲. دیماندا، س.م، راهنمای صنایع اسلامی، ترجمه عبدالله فریار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶ ش.
۱۳. محمدحسن، زکی، تاریخ صنایع ایران، ترجمه محمدعلی خلیلی، تهران، اقبال، ۱۳۶۶ ش.
۱۴. کریمیان، علی، «دارالشفای آستان قدس به روایت اسناد»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۲۵، سال ۱۳۸۷.

۱۵. کمبریج، تاریخ ایران دوره صفویان. ترجمه یعقوب آژند، تهران، جامی، ۱۳۸۰ش.
۱۶. کنبی، شیلا، عصر طلایی هنر ایران، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۷ش.
۱۷. هیلن برند، رابرت، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران، روزنه و فرهنگستان هنر، ۱۳۸۶ش.
۱۸. شناسنامه اثر، حمید رضا کریمی، (۱۳۹۰ش)، آرشیو اسناد اداره پژوهش و معرفی آثار موزه‌ها.
۱۹. طرح‌های فنی آثار، آمنه رحیمی، (۱۳۸۹ش)، آرشیو اسناد اداره پژوهش و معرفی آثار موزه‌ها.
۲۰. مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس، (آرشیو)، سند ش ۵۳۷۰۰.
21. Stierlin, Henri. Islamic Art And Architecture. NewYork Thames And Hudson. 2002.
22. Melikian-Chirvani, Assadullah Souren.  
Le chant du monde, l'art de l'Iran safavide: 1501 – 1736. Paris: Musee du Louvre; Somogy. 2007.
23. Melikian - Chirvani, Assadullah Souren. Islamic metalwork from the Iranian world 8th\_ 18th centuries London.1982.